



جغرافیا در ژاپن^(۱)

ساحه‌های مختلف جغرافیا نالذیف گشت که بختی از آنها در سطوح دسرسان و بختی در سطوح دانشگاهی معنیر شناخته می‌سد . از طریقی ، در این دوره ، مکسهای مختلف جغرافیایی سر در دانشگاههای ژاپن بوجود آمد . حیاکه گروه جغرافیای دانشگاه سلطنتی کیوئو ، با تگرسهای خاصی روی جغرافیای تاریخی ناکند داشت ، در حالی که گروه جغرافیای دانشگاه سلطنتی توکیو ، به نددت در جغرافیای طبیعی به ویره در ژئومورفولوژی کار می‌کرد . از طریقی در این گروه ، روی مورفولوژی حنم اندازهای فرهنگی سر مطالعات ارزنده‌ای صورت می‌گرفت . این طریر بفر جغرافیایی (مورفولوژی حنم اندازهای فرهنگی) از مکب آلمانی جسم انداز و مکب فرهنگی برکلی (۲) (دانشگاه معروف امریکا) نایسر سبار ندرسه بود . نادآور می‌سوم که در حنمهای دیگر گروه جغرافیا ، جغرافیای کمی و روسهای کمی مورد بوجه بود . در این دوره ، در گروههای جغرافیای دانشگاه ، عده‌ای از اسادان به جغرافیای اضمادی ، بشوری مکان مرکزی و سب جغرافیای وئدال - دولانلایس جغرافی دان فراسویی حامل شدیدی شان می‌دادند . عده‌ای سر جغرافیا را سها از دنگاه علوم احمغای می‌تگرسسد .

در جریان جنگ دوم جهانی ، عده‌ی زیادی از جغرافی دانان ژاپنی به حنمهای جنگ فرساده نددت ، سساری از آنها کسه نددت و محلات جغرافیایی سر به معطل کسیده سد . آنها بی هم که رنده مایددت مثل گدسه از رئولیسک ژاپن به سد دفاع می‌کردند و سهره‌تگر بیهای امیرالسسی را به طریقی علمی بررسی می‌سومددت با سوانسد قدرت بررگ سری آنها را بوجود آورد . از این رو ، بعد از سکتب ژاپن ، این عده از سسهای دولتی کنار کسددت . اس جریان صعف روح علمی را نددتال داشت . در دوره جنگ ، عده‌ای از جغرافی دانان به مستعمرات ژاپن (کره ، فرم ، سحوری) و سرزمسهای مصرقی (حبس و حبوت سری آسا) اغرام گسندت با در اداره مستعمرات و امر برنامه بریری به دولت خود کمک کسند . این ما مورسها ، حدیفات علمی ، قوم ساسی و مطالعات ژئومورفولوژیکی کشور کره و ممولستان داخلی را نراهم آورد .

در دوره جنگ جهانی دوم ، هر حمد که در ژاپن مکسهای مختلف مورد بوجه بود اما در همه گروهها اسان کار روی وابستگی اسان و محیط با محیط‌گرایی دور می‌رد . از این رو ، اکثریت جغرافی - دانان ژاپن ، به وحدت جغرافیا و کالیکی آن (طبیعی و اسایی) معصددت نددت . اما عده‌ای از اسادان ژئومورفولوژی و آب و هوا ساسی سر اظهار می‌کردند که رسه حنمسی آنها حرو علوم طبیعی حساب می‌آند . در جغرافیای ژاپن ، از نشاطا سایر علوم به ویره رمن ساسی و تاریخ سسارمورد بوجه بود . عده‌ای از جغرافی دانان ژاپن سر ، از ۴۵ سال قبل ، سها به جغرافیای ریذکی رورانه دلستگی شان می‌دادند حبری که در زمان ما به سنوان هدف اصلی دانش جغرافیا سمار می‌آند .

با سسس گروههای جغرافیا در ژاپن ، به اوایل قرن سسسم برمی‌گردد . در سال ۱۹۵۷ ، گروه جغرافیای دانشگاه ادسبات دانشگاه سلطنتی کیوئو در سال ۱۹۱۸ گروه جغرافیای دانشگاه علوم دانشگاه سلطنتی توکیو بوجود آمد . البته تفکرات جغرافیایی غرب ، از اوایل قرن ۱۹ وارد محافل علمی و دانشگاهی ژاپن سد - بود ، بطوریکه بعد از تشکیل دولت می جی (۲) در سال ۱۸۷۲ ، سسم آموزشی کیوئو ، جغرافیا را به عنوان درسی مهم وارد برنامه های درسی مدارس کرد . از این زمان به بعد ، علم جغرافیا سها در دانشگاههای سرب معلم و کالجهای بازرگانی ندرس می‌سد . در این دوره ، اغنت کسهای جغرافیا در سطوح عالی آموزشی و مدارس ، بر حنم کسهای درسی جغرافیا از سسهای خارجی بود . در حقیقت ، این کسهای جغرافیایی که از سسهای دیگر بر حنم می‌سد بسر روی صعبی بدن و استعمارگرایی ناکند داشت . دورهای که ژاپن با سبات سبار به سوی غربی بدن و مدرسه نددن کام بر می‌داشت .

بعد از تشکیل گروههای آموزشی جغرافیا در دانشگاههای ژاپن ، سلافاضه احمین جغرافی دانان ژاپن سکیل سد و محله‌ای به نام بررسی جغرافیای ژاپن سسر گردد . دهه ۱۹۳۵ برای علم جغرافیا در ژاپن دهه برابری بود . در این دهه کسهای سساری در

جغرافیا بعد از جنگ جهانی دوم

ناحیه‌ای و حتی مطالعه بهره‌برداریهایی منابع کلا" ممنوع بود. این جریان، در دوره تسلط قوای متفقین بر ژاپن، به کلی دگرگون گشت و جغرافی‌دانان ژاپنی به بررسی واقعیتها پرداختند. مکتبهای متعدد علمی و سیاسی وارد نشریات جغرافیایی گردید و نتیجه گیری از تحلیلهای موافق و مخالف به نفع جامعه ژاپن و به رشد مؤسسات علمی و جغرافیایی کشور انجامید که تا به امروز، شتاب رفاه اجتماعی و اقتصادی این کشور چشمها را خیره می‌کند. از تحولات یاد شده بیش از همه جغرافی‌دانان جوان ناسیونالیست‌ها بودند. روشن است زمانی که تحلیلهای جغرافیایی به فضای کاملاً آزادی برخورد می‌کند عمق و اصالت بیشتری می‌یابد. از این رو ورود تئوریهایی علوم اجتماعی به جغرافیای انسانی و اجتماعی و اثرات شاخه‌های مختلف علوم زمین در جغرافیای طبیعی، به یک جریان فکری و علمی تازه‌ای در جامعه دانشگاهی و فرهنگی ژاپن منتهی شد. بعد از جنگ دوم، روی شاخه‌های مختلف جغرافیا و تخصص‌یابی در آنها ناکید می‌شود و حتی برای عده‌ای از جغرافی‌دانان ژاپنی، جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی، دو شاخه جدا از هم محسوب می‌گردد. این تخصص‌ها عبارت بودند از: ژئومورفولوژی، هیدرو-لژی، آب و هوا شناسی، جغرافیای فرهنگی، جغرافیای صنعتی و جغرافیای کشاورزی.

نگرشهای تازه

از اوایل دهه ۱۹۵۰، تحقیق روی دشتهای روسی، زمینهای بیست ساحلی به ویژه در منطقه اقیانوس آرام، اسکال ناهمواریهای زمین، حوضه رودهای ژاپن، آب و هواشناسی سنوتیک، اقلیم - شناسی محلی، آب و هوای شهرها، آلودگیهای محیطی، اقلیم - شناسی تاریخی و جغرافیای پزشکی با روشهای علمی ابعاد تازه‌ای می‌یابد. در این دوره، ۳۰٪ کل مقالات و کتابهای جغرافیایی مربوط به جغرافیای طبیعی بود، اما از آن زمان به بعد بر میزان این قبیل سربت در جغرافیای طبیعی افزوده می‌شود، بطوریکه امروزه بیش از ۴۰٪ مقالات و کتابها مربوط به شاخه‌های مختلف جغرافیای طبیعی می‌باشد.

در بخش جغرافیای انسانی: مسائل، ابعاد و فلسفه انسان و محیط، مطالعه در زمینه جبر جغرافیایی و استفاد از آن، نقش محیط طبیعی در توسعه جامعه، رسمه‌های اکولوژیکی ارزیابی محیط، ناکید بر عوامل و تئوریهایی اجتماعی - اقتصادی در مطالعات جغرافیایی، مطالعات بحری، جغرافیای سکونت، تحقیقات پر - ارزش در جغرافیای تاریخی و مطالعات شهری، بخشهای عمده تحقیقاتی و آموزشی را در کشور راس تشکیل می‌دهد.

در جغرافیای تاریخی، به جای تحدید بنای چشم اندازهای گذشته، مکتب (تحدید بنای سازمانهای فضایی در دوره‌های -

بعد از شکست ژاپن از قوای متفقین، اغلب مؤسسات علمی که مطالعات جغرافیایی احام می‌دادند ناچار شدند که نام این مؤسسات را تغییر بدهند اما تغییر نام مؤسسات، نقش و وظیفه آنها را تغییر نداد و به همان شکلی که قبلاً بودند باقی ماندند. مثلاً امر نخته‌برداری که به وسیله قوتون سلطنتی انجام می‌شد به عنوان مؤسسه بررسی نخته‌برداری جغرافیایی خوانده شد و به وزارت ساختمان پیوست. اداره، هیدروگرافی، از سروی دریایی جدا گشت و با وزارت حمل و نقل، وزارتخانه واحدی را تشکیل داد. این تغییرات به سهم خود، تحولی در مطالعات جغرافیایی به ویژه در نظام آموزشی ایجاد کرد و بیش از ۲۰۰ دانشگاه و مؤسسه عالی نیز تحت پوشش نظام جدید درآمد. این نظام جدید دانشگاهی بیشتر آمریکایی می‌نمود و در همه آنها گروههای جغرافیایی تشکیل گردید و یا تدریس جغرافیا آغاز شد. این تحولات بر تعداد استادان جغرافیا و انجمنهای جغرافیایی بیفزود و نشریه‌های فنی و اختصاصی جغرافیا منتشر گردید، بطوریکه اعضای انجمن جغرافی‌دانان ژاپن از ۲۵۹ نفر در سال ۱۹۳۹ به ۵۴۹ نفر در سال ۱۹۴۹ رسید و امروزه تا ۳۰۰۰ نفر افزایش یافته است. از همه مهمتر، در این دوره، انجمن جغرافیای انسانی ژاپن، انجمن جغرافیای اقتصادی، انجمن جغرافی‌دانان حرفه‌ای، انجمن جغرافیای تاریخی و بالاخره انجمن بین‌المللی کارنوگرافی تأسیس گردید.

تحولاتی که در بالا ذکر آن گذشت مدارس ژاپن را نیز در بر - گرفت و جغرافیا یکی از دروس معتبر در برنامه‌های درسی مدارس شناخته شد. در نتیجه کتابهای درسی مدارس با محتوای بسیار غنی علمی، به گسترش دانش جغرافیا در جامعه ژاپن بسیار کمک کرد.

بعد از جنگ دوم، نفوذ فرهنگ آمریکا همه زوایای علمی و اجتماعی و حتی سنتی ژاپن را در اخسار خود گرفت و در این راه، برابر بورس فولبرایت ماده‌ها اسناد میان دانشگاههای ژاپنی و آمریکایی صورت گرفت.

از اواسط دهه ۱۹۵۰، فرهنگ اروپایی نیز در دانشگاهها جایی برای خود باز کرد و عده‌ای از نسل جدید جغرافی‌دانان ژاپنی دوره‌های عالی تحصیلات خود را در اروپا و یا آمریکا سپاس رسانیدند.

در دوره قبل از جنگ و در جریان جنگ، ژاپن تحت حاکمیت رژیعی بود که به صورت شدید شوونیست، ملیمارست و ناسونالیست می‌نمود و در برابر هر گونه آزادی بیان و عقیده حسبه می‌گرفت. در نشریات جغرافیایی، بررسی مشخصات معنی و سازگار ساستهای

گذشته) به جغرافیای تاریخی اعیان علمی بسیاری بخشید.

به سبب توسعه شکست انگیز اقتصاد ژاپن، مسائل اجتماعی گوناگونی در جامعه شهری ژاپن ظاهر می‌گردد. قبل از جنگ جهانی، مطالعات شهری حدان مورد توجه نبود، اما با ظهور مسائل مختلف در جامعه، جغرافیای شهری نیز به عنوان یک شاخه علمی مورد نیاز به سرعت اعتبار علمی و دانشگاهی می‌یابد. در واقع، صنعتی شدن با شهرنشین شدن همراه و همگام می‌گردد، در نتیجه عمل، گرایش به برنامه‌ریزی شهری بیشتر می‌شود. در داخل رشته جغرافیای شهری، در رابطه با مسائل جامعه شهری ژاپن، مسائلی از قبیل آمد و شد روزانه به محل کار، ترافیک شهری، شهرهای افکاری، ساخت داخلی مادر شهرها، اثرات مادر شهرها در حوزه‌های روستایی اطراف، سلسله مراتب شهری، تحلیل‌های کمی، وابستگیهای شهر و روستا، مناطق خرید در داخل شهرها، مسائل مربوط به مکن مورد توجه شدید قرار می‌گیرد. از طرفی با توجه به تولیدات صنعتی ژاپن، جغرافیای صنعتی، مکان‌یابی صنعتی، تقسیم فضایی مناطق بازاری، جغرافیای تولیدات صنعتی، جغرافیای بازرگانی، جغرافیای بخش خدمات روستاهای تازه‌ای را در آموزش و پژوهش در پیش می‌گیرند.

در دوره شکوفایی صنعتی و راه‌یابی ژاپن به بازارهای جهانی، کشاورزی ژاپن، تحت تأثیر شهرنشینی و صنعتی شدن قرار می‌گیرد. در نتیجه تغییراتی در ساخت اقتصاد روستایی بوجود می‌آید. همه اینها به نگرشهای تازه‌ای در جغرافیای روستایی و کشاورزی امکان می‌دهد. به موازات این تحولات، فرآورده‌های دریایی با عنوان (جغرافیای روستاهای ماهگیری و جغرافیای ماسر ماهگیری) وارد ادبیات جغرافیایی ژاپن می‌گردد. از دهه ۱۹۶۰ به بعد، در بخش جغرافیای جمعیت و جغرافیای گذران اوقات فراغت، دگرگونیهای چشمگیری ظاهر می‌شود و فعالیتهای تفریحی صورت می‌گیرد. در بخش جغرافیای سیاسی، علاوه بر موضوعات رایج در جغرافیای سیاسی، انتقاد بر ژئوپلیتیک ژاپن از اعتبار علمی گسترده‌ای بهره‌مند می‌شود.

در پایان این مقاله، لازم است از جغرافی دانانی باد شود که در تحولات علم جغرافیا در ژاپن و مداوم مکتبهای فلسفی در جغرافیا بیش از همه مؤثر بوده‌اند. در اینجا تنها به تفکرات جغرافیایی دو تن از برجسته‌ترین جغرافی دانان ژاپن اشاره‌ای می‌شود:

آر. ایشیدا (۴)، فارغ التحصیل از دانشگاه توکیو، جغرافیای انسانی را با مسائل اجتماعی و علوم اجتماعی نزدیک می‌سازد و سببهای بعدی جغرافی دانان ژاپنی، در روش شناسی و تفکرات جغرافیایی بیش از همه از ایشیدا تبعیت کرده‌اند. این جغرافی دان در مطالعات جغرافیایی (دهه ۱۹۳۰) روش اثرات (علت و معلول تاریخی را در جامعه انسانی) و همجین (طبیعت اجتماعی - محیط جغرافیایی) را اساس تفکرات خود قرار داده بود.

کی. ایروکا (۵)، میان جغرافی دانان جوان ژاپن از اغتیار ویژه‌ای برخوردار است. این جغرافی دان، عوامل اجتماعی - اقتصادی را در همه تحلیل‌های جغرافیایی، بسیار دخالت می‌دهد. او در روش شناسی جغرافیایی نیز به عوامل و شرایط اجتماعی - اقتصادی، نقش اول را فائل است.

در دو دهه اخیر، آگاهیهایی که گروههای جغرافیا، ارتحولات علم جغرافیا در خارج کسب کردند با مطالعات تجربی به ویژه در شاخه‌های جغرافیای کاربردی و سکونت به پیشرفتهای زیادی نائل آمدند. از طرفی، بسیاری از جغرافی دانان مکتب توکیو، ضمن ادامه تحصیل در کشورهای خارجی، در اکتشافات و تحقیقات علمی در کشورهای خارجی نیز شرکت می‌کردند در نتیجه از این زمان به بعد، روشهای کمی به طور وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد و تحقیقات حالی، مثل (سازمان فضایی فعالیت‌های مالی) به جغرافیا در ژاپن بعد تازه و کاربردی می‌بخشد. اما در دانشگاه کیوتو، هنوز هم جغرافیای تاریخی و کارنوگرافی از ارزش بیشتری برخوردار است. در گروه جغرافیای کیوتو، حتی روی مردم شناسی فرهنگی تحقیقات گسترده‌ای صورت می‌گیرد. از این رو، مورفولوژی حشم اندازه‌های فرهنگی، از شاخه‌های مهم تحقیقاتی مکتب کیوتو شمار می‌آید. با وجود این، اساس مکتب جغرافیای کیوتو را مشخصات فضایی فعالیت‌های اساسی در هر مکان و در هر بعد تاریخی تشکیل می‌دهد.

ژاپن، به سبب استرواگزیسی جغرافیایی و موقعیت خاص جغرافیایی و موانع زمینی، در مطالعات جغرافیایی تأکید روی تحقیقات محلی را اساس کار خود قرار داده است. از این رو، بیشتر تحقیقات جغرافیایی، تنها در داخل کشور ژاپن منتر می‌شود. حاصل چنین وضعی ناآشنایی جغرافی دانان دنیا با تحقیقات و استنارات جغرافیایی در ژاپن می‌باشد. هم‌اکنون، در بخش جغرافیای طبیعی، دو شاخه آب و هواشناسی و ژئومورفولوژی و در بخش جغرافیای انسانی، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای سکونت و جغرافیای تاریخی از اهمیت بیشتری بهره‌مند است. با وجود این، هنوز هم جغرافیا در ژاپن، نتوانسته‌است مثل کشورهای انگلیس، سوئد، آمریکا و شوروی در برنامه‌ریزیها و بازار باسیها بخش بر اعتبار خود را کسب کند.

یادداشتها

- 1- Keiich Takeuchi " Japan " Geography Sin ce the Second World War ". Croom Helm . 1984, PP. 235-259 .
- 2- Meiji.
- 3 - Berkeley.
- 4- R-Ishida.
- 5- K-Iizuka.